

گذشت شاکی و آثار آن در حقوق کیفری ایران

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۵/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۰/۱۲/۱۲)

علیرضا ربیعہ

کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

چکیده

همه جرایم از آن جهت که نظم عمومی را برهم می‌زنند دارای جنبه عمومی هستند ولی جنبه عمومی در همه جرایم یکسان نیست و در بعضی از جرایم بنا به مصالح اجتماعی، اخلاقی، خانوادگی و... قانون‌گذار، جنبه خصوصی بعضی از جرایم را بر جنبه عمومی آن ترجیح می‌دهد مانند جرم ترک انفاق یا جرم فحاشی که اصطلاحاً به آنها جرایم قابل گذشت می‌گویند. جنبه عمومی برخی از جرایم، از اهمیت بیشتری برخوردار بوده و مواردی که از آنها یاد شد هم شامل همین جرایم می‌شود. در خصوص شناسایی و تفکیک جرایم قابل گذشت از جرایم غیرقابل گذشت، گرچه قانون‌گذار از ارایه یک تعریف مشخص برای تمیز این دو خودداری کرده است ولی در قانون مجازات به برخی از جرایم قابل گذشت اشاره کرده بدون آنکه تعریف دقیقی از این دو به عمل بیاورد برای مثال جرایمی چون فحاشی، تهمت و افترا، ورود به عنف به منزل دیگری، تصرف عدوانی، سوزاندن اسناد تجاری دیگری، آتش زدن اموال منقول دیگری، تهدید، افشاء اسرار، ترک انفاق و... از جرایم قابل گذشت محسوب می‌شود. در جرایم قابل گذشت با گذشت متضرر از جرم، تعقیب یا رسیدگی و یا اجرای حکم، متوقف و موقوف می‌شود. پس اگر شخصی به اتهام صدور چک بلامحل به تحمل حبس محکوم و حکم صادره علیه او قطعی شده باشد با رضایت شاکی خصوصی مجازات حبس در مورد او اعمال نخواهد شد.

واژگان کلیدی: جرایم قابل گذشت، جرایم غیر قابل گذشت، اثار جرم، حق الهی، حق

بخش اول: کلیات

گذشت به معنای بخشش و چشم پوشی است، ابراز آن توسط شاکی خصوصی را عدول یا انصراف از ادامه دعوی کیفری و استرداد شکایت تعریف کرده اند. این تحقیق جایگاه و آثار گذشت شاکی خصوصی را به عنوان یک حق در حقوق جزای ایران با جایگاه و آثار آن در قانون مدنی و اصول محاکمات جزایی به روش مطالعه کتابخانه ای و تجزیه و تحلیل مواد مربوطه از قوانین کیفری منسوخ و در حال اجرای ایران مورد قیاس قرار داده و دکتترین، آراء دیوان عالی کشور و نظرات مشورتی ا.د.ح.ق.ق (اداره حقوقی قوه قضائیه)، را بررسی و به عنوان منابع و راهنما بدانها استناد کرده، و به مبانی و مستندات گذشت در حقوق جزای ایران یعنی قوانین موضوعه، دین، عرف و رویه قضایی در کنار سیاست قضایی اشاره کرده است. در این تحقیق وجود جرم، مرتکب جرم، بزه دیده و ابراز گذشت به عنوان ارکان گذشت و اهلیت گذشت کننده، منجز بودن گذشت، مسموع نبودن عدول از آن، قابلیت انتقال آن به وراث و گذشت تمامی شکات به عنوان شرایط گذشت صحیح شاکی خصوصی مورد بررسی قرار گرفته، همچنین در این نوشتار تفکیک و تفسیر جرایم قابل گذشت حیطة تأثیر گذشت در قوانین ماهوی جزایی و بررسی قابلیت ابراز و پذیرش گذشت در مراحل مختلف دادرسی حتی اجرای مجازات، قلمرو گذشت در قوانین شکلی را بیان می دارند که حاکی از موقعیت گذشت در این قوانین است. این تحقیق بیان می دارد که طبق قوانین جزایی کشور، گذشت از جهات قانونی و شخصی و همچنین قضایی و شخصی محسوب می شود و با توجه به نوع جرایم و مراحل دادرسی، آثاری چون موقوفی تعقیب، برائت متهم، اسقاط و در مواردی تخفیف مجازاتها را در بردارد. کیفر و به مجازات رساندن فرد خاطی و بزه کار (گناهکار) موضوعی است که از زمان خلقت انسان وجود داشته و گذشت بزه دیده نیز به عنوان یک نهاد پذیرفته شده و اسقاط کننده مجازات، گرچه به صورت نادر، در ادوار دور و باستانی به چشم می خورد. علت مجازات فرد خاطی و بزه کار تجاوز از بایدها و نبایدهای آئینی و قوانین و مقررات پذیرفته شده و عرف مرسوم بین افراد یک جامعه در هر برهه از زمان و تاریخ زندگی انسان است. علاوه بر عناصری چون فرد بزه کار و خاطی، خطا یا بزه ارتكابی، آسیب وارده به جامعه و تقابل مرتکب با جامعه، هنجارهای آن و (بعضا) حاکمیت، رکن و عنصر دیگری نیز در زمان وقوع خطا یا بزه یا بعد از آن، نه به طور حتمی

اما در اکثر مواقع حضور داشته و مشهود است و آن فرد (یا افراد) متضرر از جرم یا بزه دیده می باشد که در برخی از جرایم خواست وی از ارکان اصلی به مجازات رساندن مرتکب جرم است. انتقام از سوی بزه دیده به هر طریق ممکن و حتی بیش از آزار و اذیت وارده به او از سوی مرتکب، در صورت توانایی بزه دیده و یا قبیله او در دوره انتقام خصوصی یا دادخواهی فردی، پدید آمدن مواردی چون سازش اختیاری با دریافت خونبها و سپس غرامت مالی و جرمه در سایر جرایم در کنار وجود انتقامی متعادل تر در دوره دادگستری خصوصی و بالاخره تثبیت سازش اختیاری و تبدیل آن به سازش اجباری در دوره دادگستری عمومی که سبب گردید بعد از آن تمامی جرایم در این دوره دارای حیثیت عمومی گردند، همگی حکایت از جایگاه بزه دیده در کنار مرتکب و خاطی و بزه ارتكابی در نهادهای حقوق کیفری و تحول آنها از جمله گذشت متضرر از جرم و مجنی علیه دارد. در دهه های اخیر نیز بزه دیده همچون جرم و مجرم به مرکز ثقل سیاست گذاری قضایی دولتها و حاکمیتها تبدیل گردیده و ترضیه خاطر بزه دیده به لحاظ ذهنی با اعمال مجازات بر مجرم و به لحاظ عینی با صدور حکم به پرداخت خسارت و جبران ضررهای وی از اهداف برنامه ریزی شده حکومتها بوده و هست و ترغیب طرفین دعوی کیفری به صلح و سازش که گذشت شاکی خصوصی اهم طرق آن است از جمله اهداف اضافه شده به موارد فوق در چند دهه اخیر است.

بخش دوم: بررسی مبانی قانونی

در صورتی که در جرایم قابل گذشت، شاکی خصوصی گذشت کند، دعوای خصوصی، قطعاً ساقط خواهد شد چون شاکی از حق خود گذشته است. علاوه بر این، دعوای عمومی هم به دنبال آن ساقط می شود و به دنبال آن مرجع رسیدگی کننده به جرم که ممکن است دادسرا یا دادگاه کیفری باشد قرار موقوفی تعقیب را صادر خواهد کرد. دومین اثری که گذشت شاکی خواهد داشت این است که دیگر پشیمان شدن از گذشت فایده ندارد. اغلب جرایم به واسطه داشتن جنبه عمومی غیر قابل گذشت هستند ضمناً جنبه خصوصی بعضی از جرایم بر جنبه عمومی آنها غلبه دارند برای مثال صدور چک بلامحل که با گذشت مدعی خصوصی در هر مرحله از تعقیب دادرسی و اجرای حکم حسب مورد قرار موقوفی تعقیب یا اجرای حکم صادر می شود. مباحث گذشت شاکی در ماده ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۴ قانون

مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ امده است که ودر ماده ۱۰۶ مرور زمان تعقیب جرایم قابل گذشت را بیان کرده است. جرایم قابل گذشت به جرایمی گفته می شود که با شکایت شاکی شروع و با گذشت وی تعقیب موقوف می شود. شروع تاریخ مرور زمان در جرایم قابل گذشت از تاریخ اطلاع متضرر از وقوع جرم محاسبه می شود نه از تاریخ وقوع جرم.

- سوالات تحقیق

آثار گذشت شاکی در حقوق کیفری ایران کدام است؟

- فرضیات تحقیق

گذشت شاکی می تواند هم بر جرائم قابل گذشت و غیرقابل گذشت در مراحل رسیدگی کیفری اثرگذار باشد. گذشت شاکی در قانون کیفری ایران تنها در شرایط خاصی بر روند دادرسی پرونده اثرگذار است. شاکی در تعیین مجازات در مراحل دادرسی در قانون کیفری ایران دارای نقش پر اهمیتی می باشد. گذشت شاکی (بزه دیده) در تعیین مجازات مجرم (بزهکار) در قانون کیفری ایران نقش تعیین کننده دارد.

- اهداف تحقیق

۱. تدوین و تبیین مفهوم بزه دیده (شاکی) و حقوق آن در حقوق کیفری ایران
 ۲. بررسی آثار گذشت شاکی در جرائم قابل گذشت و غیرقابل گذشت و مراحل رسیدگی کیفری
 ۳. بررسی شرایط پذیرش گذشت شاکی در قانون کیفری ایران
 ۴. بررسی نقش شاکی در تعیین مجازات و مراحل دادرسی در قانون کیفری ایران
- ضرورت و موانع تحقیق

وقتی دعوایی مطرح می شود هزینه های زیادی را بر دوش مطرح کننده آن می گذارد، از زمانی که طرفین باید برای اثبات ادعای خود بگذارند تا استرس و پولی که باید خرج کنند همه انرژی می گیرند. در این میان راه های زیادی وجود دارد که جلوی هزینه های مادی و معنوی گرفته شود. قانون مواردی را نیز در این زمینه پیش بینی کرده است، وقتی جرم قابل گذشت باشد کسی که می خواهد گذشت کند باید این را بداند که گذشت باید با صراحت و بدون هیچ گونه قید و شرطی باشد و در قانون به گذشتی که مشروط و معلق باشد ترتیب اثر نمی دهند. در این تحقیق برآنیم جرایم قابل گذشت و آثار آن را مورد بررسی قرار بدهیم.

بخش سوم: ملاک تعیین جرایم

بند اول: مصادیق جرایم قابل گذشت

تهدید و اخاذی، اخذ سند یا نوشته به عنف و اکراه، توهین به افراد عادی (توهین ساده)، قذف افترا و نشر اکاذیب، هجو نمودن افراد یا انتشار هجو به، سوء استفاده از ضعف نفع شخصی یا هوی و هوس افراد، تصرف عدوانی و مزاحمت ملکی و ممانعت از حق ملکی، ورود به عنف به منزل و ملک دیگری، تخریب و اتلاف اموال دیگری، آتش زدن عمدی اموال منقول دیگری، احراق و اسناد یر دولتی، خراب نمودن محصول و باغ کشاورزی دیگری، تلف نمودن حیوان حلال گوشت یا ممنوع شکار، ترک انفاق، امتناع از استرداد طفل سپرده شده، رها نمودن طفل یا فرد ناتوان از حفاظت خود، اسقاط عمدی جنین به واسطه اذیت و آزار، افشاء سر محرمانه مردم، صدور چک بلامحل و..... می باشد.^۱ محکومیت به قصاص و دیه قابل گذشت است (گذشت شاکی قصاص و دیه را منتفی می نماید ولی حسب مورد ممکن است محکومیت به مجازاتی که در خصوص جنبه عمومی جرم صادر شده باقی بماند).

بند دوم: شاکی یا مدعی خصوصی

طبق بند ب ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ «ماده ۱۳- تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمیشود، مگر در موارد زیر:

الف- فوت متهم یا محکوم علیه ب- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم قابل گذشت پ- شمول عفو

ت- نسخ مجازات قانونی ث- شمول مرور زمان در موارد پیشبینی شده در قانون ج- توبه متهم در موارد پیشبینی شده در قانون چ- اعتبار امر مختوم»

شاکی یا مدعی خصوصی را در نوشته های حقوقی با نام متضرر از جرم، قربانی جرم و مجنی علیه نیز معرفی می کنند و تعاریف مختلفی هم برای آن بیان شده است. از جمله شخصی که مستقیماً آثار جرم را تحمل می کند و شخصی که جرم بر ضد او صورت می

۱- خرم آبادی، احمد ۱۳۹۲، آثار جلب رضایت یا اعلام گذشت شاکی بر تعقیب و مجازات مرتکبین جرائم در مراحل مختلف دادرسی کیفری، ص ۳.

گیرد.^۱

الف: شرایط گذشت شاکی

برای اینکه گذشت شاکی موثر باشد و بتواند متهم را از در دسرهای رسیدگی قضایی رها کند، باید شرایطی وجود داشته باشد.

تاریخ اعلام گذشت: مهلت مشخصی برای گذشت تعیین نشده است؛ اما منطقی است، باید بعد از اعلام شکایت صورت گیرد البته ممکن است مقدم بر آن نیز باشد که در این حالت موجب سقوط شکایت از جرم می شود و دیگر نمی تواند اعلام شکایت کند. گذشت شاکی باید صریح، منجز و بلاقید و شرط در حضور قاضی یا از طریق تنظیم سند رسمی صورت گیرد و به گذشت مشروط و معلق در صورتی ترتیب اثر داده می شود که آن شرط یا معلق علیه تحقق یافته باشد. همچنین عدول از گذشت، مسموع نیست. گذشت مشروط یا معلق مانع تعقیب، رسیدگی و صدور حکم نیست، ولی اجرای مجازات در جرایم قابل گذشت منوط به عدم تحقق شرط یا معلق علیه است. در این صورت، محکوم علیه با قرار تامین مناسب آزاد می شود. هرگاه متضررین از جرم، متعدد باشند تعقیب جزایی با شکایت هریک از آنان شروع می شود ولی موقوفی تعقیب، رسیدگی و اجرای مجازات موقوف به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده اند. در صورت وفات شاکی یا مدعی خصوصی حق گذشت، به وراث قانونی متضرر از جرم، منتقل و در صورت گذشت همگی وراث، آثار گذشت اعمال می گردد.^۲

تشریفات گذشت: همان طور که برای گذشت زمانی تعیین نشده، تشریفات نیز برای آن در قوانین بیان نشده است؛ بنابراین گذشت ممکن است کتبی یا شفاهی باشد.^۳

بند سوم: مصادیق جرایم غیر قابل گذشت

جرایم غیر قابل گذشت، جرایمی است که تعقیب آنها به شکایت شاکی خصوصی نیاز ندارد و اگر شاکی نیز اعلام رضایت کند، مراجع قضایی نمی توانند به استناد رضایت شاکی، امر تعقیب و محاکمه و اجرای حکم را متوقف کنند. در جرایم غیر قابل گذشت، رضایت

۱ - صبحی نجم، محمد، ۲۰۰۰، رضاء المجنی علیه، دارالثقافه للنشر و التوزيع الدارالعلمیه و الدولیه

۲ - نجم الدینی، محمدرضا، ۱۳۸۹، گذشت شاکی خصوصی و آثار آن در دادرسی کیفری ایران و تطبیق آن با قانون دادرسی کشوری سوریه، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق، دانشگاه پیام نور، دانشکده علوم انسانی، ص ۸.

۳ - فروغی، فضل الله، ۱۳۸۳، جرایم قابل گذشت در حقوق ایران، مجله علوم اجتماعی و انسانی، شماره ۴۱، ص ۲۰.

شاکی از مواردی است که دادگاه می تواند مطابق آن مجازات متهم را تخفیف دهد و اگر بعد از صدور حکم قطعی شاکی اعلام رضایت کند؛ دادگاه پس از درخواست محکوم، در مجازات مقرر تجدیدنظر کرده و آن را کاهش می دهد.

برای نمونه قتل عمدی (جنبه عمومی جرم در صورت عدم اجرای قصاص)، آدم ربایی، اخفا و بازداشت غیرقانونی افراد، محاربه، ایراد جرح عمدی و قدرتنمایی و تهدید با اسلحه یا چاقو، اخلال در نظم و آسایش عمومی، سرقت (اعم از سرقت ساده، مسلحانه، مقرون به آزار و کیف قاپی و سرقت اموال عمومی)، اخلال در نظام اقتصادی، اختلاس، رشاء و ارتشاء، کلاهبرداری، جعل و استفاده از سند مجعول، خیانت در امانت، توهین به کارمندان دولت، تمرد نسبت به مامورین، حمل و نگهداری و تهیه و خرید و فروش و توزیع و قاچاق مشروبات الکلی و سلاح گرم و سردجنگی و مواد مخدر و روانگردان، مزاحمت برای بانوان و اطفال در مکان عمومی، تجاوز به عنف، زنا، لواط و رابطه نامشروع، دایر و اداره کردن مرکز فساد و فحشا، تشویق و فراهم نمودن موجبات فساد و فحشاء می باشد.

بخش چهارم: مبانی گذشت متضرر از جرم

بند اول: مبانی قانونی

گذشت شاکی در هیچ موردی، از موجبات اعاده دادرسی نیست ولی همواره محکوم علیه حکم قطعی کیفری می تواند از گذشت شاکی بهره مند شود. گاهی گذشت شاکی اساساً تعقیب کیفری را متوقف می سازد و گاهی باعث تخفیف مجازات می گردد. در جرائم قابل گذشت، نقش شاکی در تمام مراحل تعیین کننده است مثلاً اگر شخصی به اتهام صدور چک بلامحل محکومیت قطعی پیدا کرده باشد با گذشت شاکی در هر مرحله توقیف تعقیب و یا اجرای مجازات را در پی دارد. گاهی گذشت شاکی اساساً تعقیب کیفری را متوقف می سازد و گاهی باعث تخفیف مجازات می گردد. در جرائم قابل گذشت، نقش شاکی در تمام مراحل تعیین کننده است مثلاً اگر شخصی به اتهام صدور چک بلامحل محکومیت قطعی پیدا کرده باشد با گذشت شاکی در هر مرحله توقیف تعقیب و یا اجرای مجازات را در پی دارد. در جرائمی که با گذشت متضرر از جرم تعقیب یا رسیدگی یا اجرای حکم موقوف می گردد. گذشت باید صریح و روشن و بدون هیچ قید و شرطی باشد برای مثال اگر در جرم ترک انفاق، زوجه به عنوان شاکی بخواهد چنین اعلام گذشت کند: «در صورتی که شوهرم

متعهد شود رفتار خوبی داشته باشد و هر ماه نفقه ام را بپردازد حاضر به گذشت متهم هستم» چنین گذشتی بلحاظ آنکه مشروط و مقید است به آن ترتیب اثر داده نمی شود. چنانچه از جرم چند نفر متضرر شوند با شکایت هر یک از آنان تعقیب و رسیدگی شروع می شود ولی متوقف شدن تعقیب یا رسیدگی یا اجرای حکم منوط به گذشت تمام کسانی است که شکایت کرده اند. حق گذشت به ورثه قانونی متضرر از جرم منتقل می شود. بنابراین در صورت گذشت تمام کسانی که ورثه متضرر از جرم هستند تعقیب و رسیدگی و یا اجرای مجازات متوقف خواهد شد. عباراتی مثل گذشت کردم، رضایت می دهم، دیگر شکایتی ندارم و...، نشان دهنده اراده متضرر از جرم و اعلام گذشت است. همچنین گذشت باید صریح، روشن، موجز و قطعی باشد. برای گذشت کردن باید از صیغه ماضی یا مضارعی که دلالت بر گذشته نزدیک کند، استفاده شود؛ شرط مهم تر این است که گذشت معلق و مشروط نباشد. در جرایمی که هم جنبه عمومی دارند و هم جنبه خصوصی گاهی کفه ترازو به سمت جنبه عمومی گرایش پیدا می کند و گاهی به طرف جنبه خصوصی. قانونگذار گاهی در جرائمی مثل صدور چک بلامحل به لحاظ کم اهمیت بودن حیثیت عمومی جرم ارتكابی و زمانی مثل جرایمی که با عنوان دیات شناخته می شوند به علت رعایت مصالح خانوادگی و جلوگیری از لکه دار شدن حیثیت و شئون افراد و بالاخره در بعضی موارد بنا به ملاحظات سیاسی تعقیب جرم را به شکایت متضرر از جرم منوط می کند و به عبارت دیگر با گذشت او و انصراف از تعقیب، جامعه نیز، از تعقیب او چشم پوشی می کند. بنابراین بزرگ ترین فایده تقسیم جرائم به عمومی و خصوصی در این است که در جرائم خصوصی با شکایت شاکی خصوصی شروع می شود و با گذشت او هم رسیدگی به پایان می رسد؛ اما در جرائمی که جنبه عمومی دارد حتی اگر شاکی خصوصی نداشته باشد یا همه شاکیان خصوصی گذشت کرده باشند باز هم رسیدگی ادامه پیدا می کند. بنابراین گذشت فقط در جرائم قابل گذشت مفید و موثر است.

بند دوم: مبنای اجتماعی

مقنن گاهی به لحاظ کم اهمیت بودن حیثیت عمومی جرم، زمانی به علت رعایت مصالح اجتماعی و منافع خانوادگی، از لکه دار شدن حیثیت و شئون افراد و بالاخره در بعضی موارد، بنا بر ملاحظات سیاسی و اقتصادی، تعقیب دعوی عمومی را بر مطالبه متضرر از جرم،

منوط می کند و به مراجع کیفری اجازه و امکان نمی دهد که بدون تقاضای متضرر، متهم را تحت تعقیب قرار دهند. به عبارت دیگر، در بعضی از جرایم، قانونگذار به منظور تأمین منافع مجنی علیه و جبران خسارات وارده به وی، جانی را مجازات می نماید. بنابراین، چنانچه وی از اجرای مجازات در مورد مرتکب صرف نظر نماید، دلیلی بر اجرای مجازات باقی نمی ماند.

بخش ششم: شرایط گذشت متضرر از جرم

بند اول: قابل گذشت بودن جرم

از آنجایی که روش تشخیص قابل گذشت بودن جرم، در حقوق جزای عرفی و اسلامی از یکدیگر به طور کلی متفاوت است، بحث را به طور جداگانه طرح می نماییم :

الف: قابل گذشت بودن جرم در حقوق جزای عرفی

۱) روش ضابطه قانونی: طبق این روش، قانونگذار ضوابط و معیارهایی برای تشخیص جرایم قابل گذشت، پیش بینی می نماید. ضوابطی مانند قابل گذشت بودن جرایم مربوط به روابط زناشویی، قابل گذشت بودن جرایم ارتكایی بین اقرباء، قابل گذشت بودن جرایم مربوط به عصمت و عفت فردی و اجتماعی و غیره که در بعضی از قوانین خارجی عنوان شده است، از این طرز تفکر الهام می گیرد.

۲) روش احصاء قانونی: بر حسب اقتضای این روش، قانونگذار به جای تعیین ضابطه برای تشخیص جرایم قابل گذشت، به روش احصاء متوسل می شود؛^۱ یعنی مقنن با توجه به مصالح خاص افراد و منافع جامعه به طور آمرانه جرایم قابل گذشت را تعیین و معرفی می کند. به عبارت دیگر، قانونگذار به جای تعیین ضابطه برای تشخیص این نوع جرایم، به انتخاب قاعده کلی می پردازد و اصل را بر این می نهد که هیچ جرمی قابل گذشت نیست، مگر این که خلاف آن در قانون تصریح شده باشد. آنگاه، جرایم قابل گذشت را با دقت احصاء می نماید، در نتیجه قبول این روش، دادگاه ها و سایر مراجع کیفری و اصحاب دعوی، معیار دقیقی جهت تشخیص قابل گذشت بودن جرم، در دست دارند. از این رو، جای ابهام و تردیدی باقی نمی ماند و هر جا نص خاصی وجود نداشته باشد جرم ارتكابی غیر قابل گذشت است.

۱ - مجموعه نشست های قضایی، ۱۳۸۲، مسایل قانون مجازات اسلامی، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضاییه، ج ۲.

ب: قابل گذشت بودن جرم در حقوق اسلامی
 روش شناخت قابل گذشت بودن جرم در حقوق اسلامی، حق الله و حق الناس بودن آن است. بنابراین، هرگاه جرم در زمره حق الناس است، با گذشت صاحب حق، مجازات آن ساقط می شود و اگر از حقوق الله است، ساقط نخواهد شد.

بند دوم: جرایم غیر قابل گذشت

الف) مجازات های قابل تخفیف

حدود، قصاص و دیات ثابتی هستند که رضایت شاکی در تخفیف آنها اثر ندارد مگر اینکه نسبت به قصاص و دیه مصالحه صورت گیرد که در این مورد با حصول شرایط خاصی مجازات قصاص به مجازات تعزیری تبدیل می شود. قانون مجازات اسلامی جدید در ماده ۳۷ و ۲۱۹ به صراحت بیان می دارد که تخفیف مجازات مخصوص مجازات های تعزیری است و در حدود قصاص و دیات مصداق ندارد چراکه مجازات آنها ثابت است. ماده ۲۱۹ در این خصوص مقرر می دارد «دادگاه نمی تواند کیفیت نوع و میزان حدود شرعی را تغییر یا مجازات را تقلیل دهد یا تبدیل کند یا ساقط نماید. این مجازات ها تنها از طریق توبه و عفو به کیفیت مقرر در این قانون قابل سقوط، تبدیل یا تقلیل اند» و همچنین ماده ۳۷ در تصریح این مورد بیان می دارد «در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف، دادگاه می تواند مجازات تعزیری را... تقلیل دهد یا تبدیل کند.»

ب) اختیار دادگاه

تخفیف در قانون آیین دادرسی مصوب ۱۳۹۳ مورد توجه قانون گذار قرار گرفته است با توجه به ماده ۴۸۳ این قانون «هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرائم غیر قابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر کند، محکوم علیه می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، درخواست کند، در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) این قانون، رسیدگی می کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می دهد یا به مجازاتی که مناسب تر به حال محکوم علیه باشد، تبدیل می کند. این رأی قطعی است.»^۱

بخش هفتم: ملاک تعیین جرایم قابل گذشت

یکی از مسائل پیچیده حقوق جزا و آئین دادرسی کیفری، مسأله تفکیک جرایم قابل گذشت از جرایم غیر قابل گذشت است. این مشکل در مرحله قانونگذاری نمود بیشتری دارد زیرا قانونگذار ناچار است یا ضابطه ای عام به دست قاضی دهد تا قاضی در مقام دادرسی بر اساس آن ضابطه جرایم قابل گذشت را تعیین کند و یا تک تک جرایم قابل گذشت را احصاء کند که به دلیل عدم وجود ملاکی مشخص در این زمینه، کار دشواری خواهد بود. به ویژه در کشور ایران که بعضاً تعارضاتی میان ملاکهای عرفی و شرعی شکل گرفته است. ملاک ها و ضوابطی که برای تعیین جرایم قابل گذشت وجود دارد گاهی ملاک های عرفی و گاهی ملاک های شرعی است که مورد توجه قانونگذار بوده و بر اساس آنها لیست جرایم قابل گذشت را تعیین می کند.

بند اول : ملاک های عرفی

۱) ملاک های جرم انگاری

برای این که فعل یا ترک فعلی جرم محسوب شود به سه پرسش باید پاسخ داد؛ آیا آن فعل یا ترک فعل به دولت و نظم عمومی مربوط است؟ (اصول)، آیا نظام های کنترل کننده غیر کیفری مؤثر وجود ندارد؟ (پیش فرض ها) و آیا منافع جرم انگاری بیشتر از مضار آن است؟ (کارکردها).

۲) ملاک قضازدایی

گرچه یکی از مصادیق بارز اعمال حاکمیت، دادرسی و مجازات مجرمان است اما با توجه به این که دخالت گسترده دولت در این امر نتایج نا مطلوبی را به همراه دارد همچون تحمیل هزینه های دادرسی و اجرای مجازات، صرف وقت مأموران دولتی، تراکم پرونده ها، عدم دقت در رسیدگی و... قانونگذار به این فکر افتاده که در مورد برخی جرایم که شاکی خصوصی ندارد یا شاکی خصوصی گذشت می کند، وارد رسیدگی نشده یا رسیدگی را متوقف سازد.

۳) ملاک مصلحت خانوادگی

جرایمی که میان اقوام رخ می دهد معمولاً جنبه خصوصی دارد و اگر طرفین دعوا تمایلی برای طرح آن در دادگستری نداشته باشند تعقیب چنین جرایمی جز آن که میان افراد

فامیل کدورت ایجاد می کند و خانواده ها را از هم می پاشد، نفع دیگری ندارد به همین دلیل است که بسیاری از قانون گذاران جرایم مزبور را قابل گذشت دانسته اند مگر آن که ضرر آنها برای جامعه به قدری زیاد باشد که منفعت تعقیب، بیشتر از ضرر آن باشد. ماده ۴۹۱ قانون جزای لبنان ایراد ضرب و شتم میان فامیل تا درجه چهارم را قابل گذشت دانسته است و ماده ۶۴۷ همین قانون جرایم سرقت، کلاهبرداری، خیانت در امانت و سایر جرایمی را که علیه اقوام صورت می گیرد را قابل گذشت می داند که تعقیب آنها نیاز به شکایت شاکی خصوصی دارد.

۴) ملاک اراده اشخاص^۱

جرم انگاری برخی از جرایم به خاطر حمایت از اراده اشخاص است به گونه ای که اگر رضایت اشخاص وجود داشته باشد، هرگز جرمی رخ نمی دهد. مثلاً صاحب مال اگر راضی باشد، جرم سرقت یا کلاهبرداری یا خیانت در امانت نسبت به مال او رخ نمی دهد و در این جرایم یا رضایتی وجود ندارد و یا رضایت معیوب است. حال اگر زیان دیده پس از وقوع جرم، گذشت کرد باید به اراده او احترام گذاشت و از تعقیب جرم صرف نظر کرد.

۵) ملاک شدت و ضعف مجازات^۲

اهمیت جرایم معمولاً بر حسب شدت و ضعف مجازات آنها معلوم می شود و جرایم مهم اصولاً برای جامعه ضرر دارند و جامعه در قبال این جرایم با قوت از خود دفاع می کند. اما ضرر جرایم کم اهمیت برای جامعه به قدری شدید نیست که به تنهایی و بدون درخواست قربانی جرم، تصمیم به دفاع بگیرد.

۶) ملاک متضرر جرم^۳

اگر ضرر جرمی برای جامعه بیشتر از افراد خصوصی باشد و ضرر مستقیم آن متوجه جامعه شود، جرم غیر قابل گذشت است و اگر ضرر آن برای افراد خصوصی بیشتر از جامعه باشد و افراد قربانی مستقیم جرمی باشند، جرم قابل گذشت خواهد بود.

۱- والک لیت، ساندر (۱۳۸۶)، شناخت جرم شناسی، ترجمه حمیدرضا ملک محمدی، ج ۱، تهران، نشر میزان، ص ۳۶.

۲- مدنی، جلالی الدین؛ ۱۳۷۸، آئین دادرسی کیفری ۱ و ۲، تهران، پایدار، ص ۱۰۹.
۳- آشوری، محمد؛ ۱۳۸۷، آئین دادرسی کیفری، تهران، سمت، چاپ ۱۳، ج اول، ص ۲۴۱.

بند دوم : ملاک های شرعی

الف : ملاک حق الله وحق الناس

ب : ملاک تشخیص قاضی

قانونگذار در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ (ماده ۷۲۷)، ملاک تشخیص قاضی را بیشتر از ملاک احصای قانون مورد توجه قرار داده است. زیرا اگر جرایمی در این ماده احصا شده که جز با درخواست شاکی خصوصی قابل تعقیب نیستند اما پس از آنکه تعقیب شروع شد، گذشت شاکی از موجبات الزامی موقوفی تعقیب نخواهد بود. بلکه صدور قرار موقوفی تعقیب، امری اختیاری برای دادگاه است و این قاضی دادگاه است که تشخیص می دهد مجازات را تخفیف دهد یا از تعقیب به کلی صرف نظر نماید.

بخش هشتم: تشریفات گذشت

بند اول : انواع گذشت

گذشت به شفاهی و کتبی تقسیم می شود.

الف: گذشت شفاهی

گذشت شفاهی در صورت مجلس نوشته می شود و به امضا یا اثر انگشت گذشت کننده می رسد.

ب: گذشت کتبی^۱

گذشت کتبی ممکن است رسمی یا غیر رسمی باشد. گذشت در صورتی رسمی خواهد بود که در یکی از دفترخانه های اسنادرسمی یا در نزد مقامات صالح در حدود وظایف آنها تنظیم شود.

بند دوم : اهلیت گذشت کننده

اعلام گذشت و استرداد شکایت، استیفای حق است. کسی که از این حق استفاده می کند، باید اهلیت آن را داشته باشد.^۲ بنابراین، صغار، مجانین و اشخاص غیر رشید نمی

۱ - میر محمد صادقی، حسین، ۱۳۷۰، جرایم علیه اموال و مالکیت، انتشارات بخش فرهنگی جهاد دانشگاهی شهید بهشتی، تهران، صص ۱۱۴ و ۱۱۵.

۲ - مراد از اهلیت در اینجا، اهلیت استیاء است؛ یعنی شایستگی و یا صلاحیت اجرا و اعمال حق که همه ی افراد انسان از اهلیت استیفا بهره مند نیستند؛ زیرا گروهی از افراد که به آنها محجور می گویند و عبارتند از اطفال صغیر، دیوانه ها و سفها، اهلیت استیفا ندارند و حقوق آنها به وسیله ولی یا قیم یا سرپرست آنها اعمال می گردد. در بحث مکان که

توانند شخصا اعلام گذشت نمایند؛ این امر بر عهده اولیا قانونی آنها محول است.^۱

الف: گذشت قیم موقت

طبق تبصره یک ماده (۳۶) قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۱۳۶۱، گذشت قیم موقت، منوط به کسب اجازه از دادستان است. برابر قانون مذکور، در مواردی که تعقیب مجرم موقوف به شکایت متضرر از جرم است، اگر وی صغیر باشد (ولی یا قیم نداشته باشد)، مدعی العموم (دادگاه) مکلف است با موافقت قانون برای صغیر، قیم معین کند و هرگاه تعیین قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر و زیان نسبت به صغیر باشد، تا تعیین قیم، مدعی العموم موقتا کسی را به عنوان قیم اتفاقی تعیین می نماید؛ و در مواقع ضرورت قبل از تعیین قیم، اقدامات فوری و ضروری را که برای حفظ آثار و دلایل جرم و تعقیب آن لازم است دستور می دهد، ولی ادامه تعقیب منوط است به اینکه قیم، مصلحت صغیر را در تعقیب امر تشخیص داده و شکایت نماید. در مواردی که صغیر ولی یا قیم دارد، و ولی یا قیم او شخصا مرتکب جرم شده و یا مداخله در جرم داشته و موافق قانون مدنی قیم اتفاقی هنوز تعیین نشده است نیز به همین ترتیب عمل می شود و اگر قیم اتفاقی تعیین شده باشد، وظیفه ی اقدام بر عهده ی اوست.

ب: گذشت وراث

سوالاتی که ممکن است به وجود آید این است که اگر شاکی فوت کند، آیا وارثان او می توانند گذشت کنند و از پیگیری دعوای خود انصراف دهند؟ در برخی موارد، پاسخ مثبت است. در مورد چگونگی انتقال حق شکایت به ورثه شاکی به استناد نظریه مشورتی اداره حقوقی دادگستری، حق شکایت و تعقیب شکایت، در جرایم خصوصی که مربوط به شخص مجنی علیه است، مثل ایراد ضرب ساده قابل انتقال به ورثه مجنی علیه نیست و قائم به شخص است و برخلاف آن، در جرایم خصوصی که مربوط به حقوق و اموال قابل انتقال به ورثه است، مثل صدور چک بلامحل، حق شکایت و تعقیب شکایت، قابل انتقال به ورثه است؛ زیرا متعلق آنها، شخصی نیست، بلکه مالی است که قابل انتقال به ورثه است.

گذشت حق شاکی است او برای اعمال این حق باید واجد شرایط استیفا باشد که به آن اهلیت استیفا و یا اهلیت قانونی هم می گویند.

بخش نهم: آثار گذشت شاکی در حقوق ایران

بند اول: نتیجه ی گذشت در جرایم غیر قابل گذشت

الف) گذشت شاکی قبل از صدور حکم قطعی

به موجب ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، جهات تخفیف عبارتند از:

الف- گذشت شاکی یا مدعی خصوصی -ب- همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیاء حاصله از جرم یا به کار رفته برای ارتکاب آن - پ- اوضاع و احوال خاص مؤثر در ارتکاب جرم، از قبیل رفتار یا گفتار تحریک آمیز بزه دیده یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم -ت- اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر وی درحین تحقیق و رسیدگی -ث- ندامت، حسن سابقه و یا وضع خاص متهم از قبیل کهولت یا بیماری -ج- کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن -چ- خفیف بودن زیان وارده به بزه دیده یا نتایج زیانبار جرم-ح- مداخله ضعیف شریک یا معاون در وقوع جرم

تبصره ۱- دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم خود قید کند.

تبصره ۲- هرگاه نظیر جهات مندرج در این ماده در مواد خاصی پیش بینی شده باشد، دادگاه نمی تواند به موجب همان جهات، مجازات را دوباره تخفیف دهد.

ب) گذشت شاکی بعد از قطعی شدن حکم

ماده ۴۸۳ قانون آیین دادرسی کیفری چنین اشعار می دارد، هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیر قابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر کند، محکوم علیه می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده و با حضور دادستان یا نماینده او با رعایت مقررات ماده (۳۰۰) این قانون، رسیدگی می کند و مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف می دهد یا به مجازاتی که مناسب تر به حال محکوم علیه باشد، تبدیل می کند. این رای قطعی است.

الف: میزان تخفیف

در مورد جرائمی که قانونگذار تخفیف مجازات را به شکل خاصی اجازه داده است مانند تبصره یک ماده قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء اختلاس و کلاهبرداری نیز

این ابهام وجود دارد که آیا می توان مجازات را به مجازات دیگری تبدیل کرد ؟ اینجا هم ممکن است گفته شود ممنوعیت و محدودیت قانونی فقط در مورد تخفیف مجازات است و تبدیل مجازات تابع قواعد مخصوص به خود است و چون منع قانونی وجود ندارد تبدیل مجازات ایرادی نخواهد داشت اما به نظر می رسد قانونگذار فقط به تخفیف مجازات به شکل خاصی نظر داشته است به ویژه که تبدیل مجازات هم صرفا در صورت فراهم شدن جهت مخففه اعمال می گردد و گذشت شاکی یکی از جهات مخففه مجازات می باشد

ب- تخفیف مجازات تعلیقی

در قانون جدید مجازات اسلامی مواد ۴۶ تا ۵۴ به تعلیق اجرای مجازات اختصاص داده شده است:

ماده ۴۶- «در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت دادگاه می تواند در صورت وجود شرایط مقرر برای تعویق صدور حکم، اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را از یک تا پنج سال معلق نماید. دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری نیز پس از اجرای یک سوم مجازات می تواند از دادگاه صادر کننده حکم قطعی، تقاضای تعلیق نماید. همچنین محکوم می تواند پس از تحمل یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی، از طریق دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری تقاضای تعلیق نماید.»

همانند تعویق صدور حکم تعلیق اجرای مجازات بر دو نوع است.

۱-تعلیق ساده: تعلیق ساده عبارت از این است که مرتکب در زمان مدت تعلیق مرتکب جرم جدید نشود. به موجب ماده ۵۲ ق.م.ا: «هرگاه محکوم از تاریخ صدور قرار تا پایان مدت تعلیق مرتکب جرم عمدی موجب حد، قصاص، دیه یا تعزیر تا درجه هفت نشود محکومیت تعلیق بی اثر می شود.»

۲-تعلیق مراقبتی: در تعلیق مراقبتی مجازات، مجرم علاوه بر رعایت شرایط تعلیق ساده، باید الزاماتی را، در مدت معینی، از طرف دادگاه رعایت کند. در صورت انجام دستورات دادگاه از مجازات معاف می شود و در غیر این صورت مجازات می شود.

فرد محکوم نیز پس از تحمل اجرای یک سوم مجازات، در صورت دارا بودن شرایط قانونی می تواند از دادستان یا قاضی اجرای احکام کیفری، برای مجازات خویش تقاضای تعلیق کند.

دادگاه صادرکننده حکم برای به کار گرفتن تعلیق اجرای مجازات محدودیت هایی دارد و

پس از احراز بعضی از شرایط شکلی یا ماهوی، اختیار اجرای تعلیق مجازات را دارد. شرایط ماهوی تعلیق اجرای مجازات: الف. محکومیت‌های تعزیری: اولین شرط تعلیق اجرای مجازات در قانون مجازات اسلامی، تعزیری بودن محکومیت مجرم است. در مجازات حدی تعلیق مجازات وجود ندارد، زیرا حد پس از اثبات باید اجرا شود. در جرایم تعزیری درجه سه تا هشت می‌توان مجازات را معلق کرد.

ب. شرط دیگر تعلیق اجرای مجازات، فقدان سابقه محکومیت قطعی به مجازات‌های ذیل شامل محکومیت قطعی به حد؛ محکومیت قطعی به نقص یا قطع عضو؛ محکومیت قطعی به مجازات حبس به بیش از یک‌سال در جرایم عمدی و محکومیت قطعی به جزای نقدی به بیشتر از دو میلیون ریال و سابقه محکومیت قطعی دوبار یا بیشتر به علت جرم‌های عمدی با هر میزان مجازات است. زمان صدور قرار تعلیق اجرای مجازات، حسب مورد می‌تواند هنگام صدور حکم و نیز پس از گذشت یک سوم از مجازات باشد.

بخش دهم: تحولات نوین نظام بزه های قابل گذشت در پرتو راهکارهای قضایی و

نوآوری های تقنینی

بند اول: راهکارهای قضایی

عدم استفاده قانون گذار در قانون تعزیرات ۶۲ از روش احصای قانونی جرایم قابل گذشت و اتخاذ روش تعیین ضابطه (حق الله و حق الناس) بدون تعریف و تفکیک این دو، به رغم وجود آثار متعدد یاد شده، بر اختلاف نظر میان مراجع قضائی در مورد قابل گذشت بودن یا نبودن برخی از جرایم بیش از پیش افزود. به طوری که نظریات مشورتی اداره حقوقی وزارت دادگستری و کمیسیون استفتائات شورای عالی قضائی سابق هم (صرف نظر از این که فاقد قدرت اجرایی بود) نتوانست پاسخگوی تمام سؤالات مراجع قضائی در این زمینه باشد.

در نهایت، در این خلأ تقنینی، هیأت عمومی دیوان عالی کشور ایفای نقش نموده و ضمن صدور چندین فقره رأی وحدت رویه که برای کلیه مراجع قضائی، حکم قانون داشته و در موارد مشابه لازم الاتباع است. به روشنی غیرقابل گذشت بودن تعدادی از جرایم موضوع اختلاف را به ترتیب زیر بیان نمود:

۱- غیر قابل گذشت بودن محکومیت تعزیری در قتل غیر عمدی بر اثر رانندگی: با

صراحت ماده ۱۴۹ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب آبان ماه ۱۳۶۲ در صورتی که قتل غیر عمدی به واسطه بی احتیاطی یا عدم مهارت راننده یا عدم رعایت نظامات دولتی واقع شود، مرتکب به مجازات مقرر در آن ماده محکوم می شود و گذشت صاحب حق یا قائم مقام قانونی منحصرأ جواز موقوفی تعقیب در جرایم غیر عمدی مندرج در ماده های ۱۵۰ و ۱۵۱ همان قانون را فراهم می سازد و تسری به حبس مقرر موضوع ماده ۱۴۹ قانون یاد شده ندارد....^۱

۲- قابل گذشت بودن جرم ترک نفقه: با توجه به این که مطالبه نفقه زوجه از حقوق الناس می باشد لذا تا زمانی که گذشت زوجه از تعقیب کایت جزایی احرار شود دعوی کیفری قابل رسیدگی خواهد بود.

بند دوم: نوآوری های تقنینی

ماده ۱۰۴ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲- علاوه بر جرائم تعزیری مندرج در کتاب دیات و فصل حدقذف این قانون و جرائمی که به موجب قوانین خاص قابل گذشت می باشند، جرائم مندرج در قسمت اخیر ماده (۵۹۶) و مواد (۶۰۸)، (۶۲۲)، (۶۳۲)، (۶۳۳)، (۶۴۲)، (۶۴۸)، (۶۶۸)، (۶۶۹)، (۶۷۶)، (۶۷۷)، (۶۷۹)، (۶۸۲)، (۶۸۴)، (۶۸۵)، (۶۹۰)، (۶۹۲)، (۶۹۴)، (۶۹۷)، (۶۹۸)، (۶۹۹) و (۷۰۰) از کتاب پنجم «تعزیرات» نیز قابل گذشت محسوب میشوند. محدودیتی برای تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ پیش بینی نشده و دست قاضی در این مورد باز است. (مگر در خصوص جرایمی مانند کلاهبرداری یا اختلاس که تخفیف نباید از حداقل قانونی پایین تر باشد؛ البته اصولاً نمیتوان آن را تخفیف نامید، چرا که حداقل مجازات در این جرایم طبق قانون پیش بینی شده و دادگاه در تعیین حداقل هم مختار خواهد بود و لازم نبود عنوان تخفیف را به آن اطلاق شود). همچنین در خصوص تبدیل مجازات، این تبدیل باید به گونه ای باشد که مجازات ثانوی (تبدیل شده) کمتر از مجازات قبلی باشد. در تخفیف مجازات ماهیت مجازات تغییر نمی کند در حالی که در تبدیل چنین نیست و مثلاً حبس به جزای نقدی تبدیل می شود.

۱. نوآوری های راجع به بزه های علیه اموال

الف : سرقت تعزیری

قانون گذار رأی وحدت رویه مربوط به غیر قابل گذشت بودن جرم سرقت را مورد تأکید قرار داد و به موجب ۶۵۱ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ مقرر می دارد: « هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد، مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می گردد.»

ب: قتل و جرح عمدی عضو

مانند آنچه در مورد قتل عمدی گفته شد، همزمان، قانون گذار، جرم قطع یا جرح عمدی عضو را که حق الناس بود واجد جنبه عمومی دانست و عیناً به موجب تبصره ۲ ماده ۲۶۹ همان قانون مقرر می دارد: در مورد این جرم چنانچه شاکی نداشته یا شاکی از شکایت خود گذشت کرده باشد یا موجب قصاص نگردیده ولیکن سبب اخلاص در نظم جامعه یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد موجب حبس تعزیری... خواهد بود...

۲. نوآوری های راجع به تمامیت جسمانی اشخاص

به رغم مداخله رویه قضائی (آراء وحدت رویه) در روشن ساختن تکلیف مراجع قضائی در تشخیص قابل گذشت بودن یا نبودن برخی از جرایمی که (در دهه ۶۰) سبب بروز عقاید و نظریات مختلفی شده بود، به دلیل فقدان قاعده کلی در این زمینه و در نتیجه اختلاف نظر در مورد سایر جرایم، بالاخره قانون گذار را بر آن داشت تا (در دهه ۷۰) ضمن قوانین کیفری سال های ۱۳۷۰، ۱۳۷۵ و ۱۳۷۸، به روش های مختلف و طی چند راه کار جدید نسبت به تغلیب جنبه عمومی و در نتیجه اعلام غیر قابل گذشت بودن برخی جرایم یا به عکس، با احصای برخی جرایم قابل گذشت و... اقدام نماید.

الف : قتل عمد

در فقه اسلامی بی سابقه نیست « ما من حق الادمی الا والله فیه حق »^۱. تا جایی که خداوند در قرآن، قتل عمد یک انسان را به قتل تمام انسان ها تشبیه نموده است، سرانجام مقنن در قانون مقرر داشت: هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اخلاص در نظم جامعه یا خوف شده و

یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از سال ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود. و نیز به موجب همین قانون، با لحاظ جنبه عمومی این جرم در موردی که «عادل دیوانه ای را بکشد و قصاص نمی شود» مجازات حبس تعیین کرد و در نهایت قانون گذار در ماده ۶۱۳ قانون تعزیرات ۱۳۷۵، با قید «هر کس مرتکب قتل عمد شود... و... به هر علت قصاص نشود...» دامنه جنبه عمومی این جرم را افزایش داده است.

ب: صدمات غیر عمدی بر اثر تصادف رانندگی

مجازات قتل غیر عمدی ناشی از تقصیر در حوادث رانندگی ۶ ماه تا ۳ سال حبس و دیه است. زبق ماده ۲۹۱-۷۱۴-۳۰۲-۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

بخش یازدهم: تخفیف مجازات در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲

در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نیز این موضوع مورد توجه قانونگذار قرار گرفته و شرایط و ضوابطی نیز برای آن در نظر گرفته است. و به طور کلی موضع مواد ۳۷ و ۳۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نسبت به قانون مجازات ۱۳۷۰ روشن تر، شفاف تر و نظام مند تر است چرا که تخفیف مجازات در قانون ۱۳۷۰ هیچ گونه حد و مرزی نداشت و قاضی در اعمال تخفیف کیفر اختیاری بی حد و حصر داشت. در قانون جدید تخفیف به دو صورت انجام می گیرد:

۱- تخفیف قانونی یعنی تخفیف الزامی همانند ماده ۵۳۱ تخفیف قضایی یعنی اختیار دادگاه نسبت به اعمال تخفیف که ماده ۳۷ این قانون به این امر تصریح دارد. در مورد آثار تخفیف کیفر در قانون جدید هم باید گفت که: قانون گذار حدود تخفیف مجازاتهای تعزیری را در ذیل ماده ۳۷ بیان نموده است. به موجب این ماده "دادگاه می تواند در صورت وجود یک یا چند جهت از جهات تخفیف مجازاتهای تعزیری را..... به شرح ذیل تقلیل دهد یا تبدیل کند :

- ۱- تقلیل حسی به میزان یک یا سه درجه
- ۲- تبدیل مصادره اموال به جزای نقدی درجه یک تا چهار
- ۳- تبدیل انفصال دایم به انفصال موقت به میزان ۵ تا ۱۵ سال
- ۴- تقلیل سایر مجازاتهای تعزیری به میزان یک تا دو درجه از همان نوع یا انواع دیگر و در ماده ۳۹ نیز قانون مقرر می دارد: در جرایم تعزیری درجه ۷ و ۸ در صورت احراز جهات

تخفیف چنان چه دادگاه پس از احراز مجرمیت تشخیص دهد که با عدم اجرای مجازات نیز مرتکب اصلاح می شود، در صورت فقدان سابقه کیفری موثر و گذشت شاکی جبران ضرر و زیان یا برقراری ترتیبات جبران آن می تواند حکم به معافیت از کیفر دهد.

البته باید به این مورد توجه کرد که در برخی جرایم (مثل کلاهبرداری) قانون گذار صریحاً اعمال مجازاتی خفیف تر از حداقل مقرر را منع کرده است. (ماده ۱ قانون تشدید مصوب ۱۳۶۷) و همچنین تبصره ماده ۶۶۶ قانون مجازات اسلامی که سه فقره محکومیت کیفری قطعی به سرقت را مانع از استفاده از کیفیات مخففه دانسته است.

نتیجه گیری

گذشت به عنوان یک عمل حقوقی (ایقاع) از نظر مقررات ماهوی (مانند اهلیت گذشت کننده) و مقررات شکلی (همچون نحوه اثبات در مرجع قضائی) تابع قواعد عمومی اعمال حقوقی است. گذشت به عنوان عامل سقوط دعوای عمومی در جرائم قابل گذشت باید از سوی شخصی اعلام گردد که حق متعلق به وی مورد تعرض قرار گرفته است.. حق گذشت، حقی غیر مالی است و حقوق غیرمالی اساساً قابل انتقال نیستند مگر در مواردی که قانون، انتقال آن به ورثه را پیش بینی کرده باشد یا حق، جنبه ی مالی پیدا کند. گذشت در جرائم قابل گذشت محدودیت زمانی ندارد بنابراین حتی پس از صدور حکم قطعی نیز می توان آن را اعلام کرد مگر در موارد خاصی که استثنائاً محدودیت زمانی برقرار شده است. چنانچه جرمی واجد دو عنوان باشد که یکی شدیدتر از دیگری باشد و عنوان شدیدتر جزء جرائم قابل گذشت قرار گیرد باید آن را جرم قابل گذشت به حساب آورد. در مواردی که شاکیان یا مجنی علیهم، متعدد باشند مقررات خاصی حاکم است که باید مورد توجه قرار گیرد. در تعیین ملاک جرایم قابل گذشت از جرایم غیر قابل گذشت، به دو نکته باید توجه داشت:

اولاً، جرم انگاری در کلیه نظامهای حقوقی حتی در نظامهای دینی، یک مسئله عرفی و عقلانی است.

ثانیاً تقسیم بندی جرایم بر مبنای تقسیم بندی شرعی (حد، قصاص، دیه، تعزیر)، با توجه به تفاوتهایی که میان این جرایم وجود دارد که از منظر شرع قابل توجیه است ولی حقوق موضوعه آن را بر نمی تابد دارای ضعف است که خود تأکیدی بر این حقیقت است که

تطبیق قواعد حقوق و مقررات موضوعه با منابع شرعی، کار صحیحی نیست زیرا از طرفی بسیاری از قواعد در شرع وجود ندارد و از طرف دیگر قواعد عرفی نیز در این خصوص با قواعد شرعی تعارض دارد. از همه مهمتر این که قواعد حقوقی در یک نظام حقوقی سلسله وار به هم متصلند پس اگر یک قاعده با قواعد دیگر سازگار نباشد، خود منجر به بروز عیب در کل سیستم می شود. لذا اهتمام بر درج برخی قواعد شرعی در میان مجموعه ای از قواعد عرفی که با آنها سازگار نیست، منجر به تزلزل قوانین و آراء دادگاهها می شود.

۱. طبق یک اصل کلی پذیرفته شده در حقوق کیفری، در اغلب نقاط دنیا، هیچ جرمی مادام که قانون گذار بر قابل گذشت بودن آن تصریح نکرده است، قابل گذشت نخواهد بود. قانون گذار قبل از انقلاب، با قبول این اصل، مصادیق جرایم قابل گذشت را به روش احصاء قانونی، به روشنی تعیین و اعلام نمود. ولی قانون گذار بعد از انقلاب، با رجعت به موازین فقهی، به جای روش مزبور، واژه های فقهی «حق الله و حق الناس» را وارد قانون نمود و به این صورت تحول جدیدی در حقوق کیفری ایران صورت گرفت.

۲. عدم تعیین ضابطه قانونی برای جرایم (حق الله و حق الناس)، به دلیل وجود آثار مختلف مترتب بر تفکیک آن دو، در عمل مراجع قضائی را در تشخیص آن ها و در نتیجه، «جرایم قابل گذشت از غیر قابل گذشت» دچار مشکل ساخت. در این خلأ تقنینی، نخست، رویه قضائی (هیأت عمومی دیوان عالی کشور) در دهه ۱۳۶۰، و سپس قانون گذار، در دهه ۱۳۷۰ (البته با قید مشروط: اگر موجب اخلال در نظم شود...) برخی از جرایم را غیر قابل گذشت اعلام نمود چنین رهیافت های قضائی و تقنینی، اگر چه بر حسب مورد مفید و مؤثر بود. لکن چون برخلاف «اصل غیر قابل گذشت بودن جرایم» بود در عمل این شبهه را ایجاد کرد که «اصل بر قابل گذشت بودن جرایم است تا زمانی که به موجب رأی وحدت رویه یا قانون به غیر قابل گذشت بودن جرم، تصریح شود».

۳. با توجه به تعاریف فقها از حق الله و حق الناس، کلیه جرایم دارای جنبه الهی و عمومی می باشند. در نهایت، در جرایم حق الهی، جنبه الهی و عمومی جرم بر جنبه خصوصی آن (اگر جرم واجد جنبه خصوصی هم باشد) تغلیب داده شده و در جرایم حق الناس، برعکس. بر همین مبنا، قانون گذار با چشم پوشی از تقسیم قبلی (حق الله و حق الناس) در قانون جدید التصویب (۱۳۷۸) به روشنی کلیه جرایم را دارای جنبه الهی دانسته و به این تصور کلی که تمام جرایم حق الناس، قابل گذشت هستند خاتمه داده و نیز جرایم را از حیث «

تعقیب و گذشت» به سه دسته، حق الله محض (غیر قابل گذشت) حق عمومی (غیر قابل گذشت) و حق الناس (قابل گذشت) تقسیم نموده است.

۴. بالاخره، قانون گذار با تأکید بر همان اصل «غیر قابل گذشت بودن جرایم» برخلاف روش متخذ در چند سال اخیر، جرایم قابل گذشت (۳۱ فقره جرم به موجب ماده ۷۲۷ ق.م.ا مصوب ۷۵) را احصاء نمود. اما همین ماده نیز خالی از ایراد نیست. طبق قسمت دوم ماده، در صورت گذشت شاکی، تعقیب الزاماً موقوف نمی گردد بلکه دادگاه در تخفیف مجازات یا موقوفی تعقیب مجرم، مختار است و این نکته با فلسفه جرایم قابل گذشت سازگار نمی باشد و بنابراین پیشنهاد می گردد، این ماده اصلاح و قسمت تأسیسی اخیر از آن حذف گردد.

۵. با توجه به احصای جرایم قابل گذشت در قانون، برای جلوگیری از ایجاد هر گونه شبهه و اختلاف عقیده در مراجع قضائی، ضروری است که مقنن و نیز دیوان عالی کشور، جز در موارد استثنائی، از تکرار روش تعیین جرایم غیر قابل گذشت، خودداری نمایند.

۶. با مقایسه کلی جرایم قابل گذشت در قوانین قبل و بعد از انقلاب، چنین به دست می آید که گذشته از برخی جرایم که بر اساس هر دو قانون یاد شده، همچنان، قابل گذشت یا غیر قابل گذشت محسوب می گردند برخی از جرایم که قبلاً قابل گذشت بوده، اکنون به دلیل حق الهی بودن، غیر قابل گذشت (مانند جرایم علیه عفت و اخلاق عمومی) و برخی جرایم که قبلاً غیر قابل گذشت بوده، بعداً به دلیل حق الناسی بودن، قابل گذشت گردیدند (مانند قتل)، از آنجایی که جرایم اخیر الذکر نیز از لحاظ جنبه عمومی (اگر چه به نحو مشروط) غیر قابل گذشت گردیده اند، در نتیجه، می توان گفت بعد از انقلاب، تعداد جرایم قابل گذشت کاهش یافته است.

۷. طبق یک قاعده «در کلیه مواردی که تعقیب جرم منوط به شکایت زیان دیده است، لاجرم، استرداد شکایت موجب از بین رفتن دعوی عمومی و موقوفی تعقیب می شود» لکن طبق یک تأسیس جدید (تقسیم جرایم از این حیث) در قانون جدید التصویب «در برخی جرایم با شکایت شاکی تعقیب می شوند و با گذشت وی تعقیب موقوف نخواهد شد. (بند ۲ ماده ۴). که به نظر می رسد منظور جرایم احصاء شده در ماده ۷۲۷ است که در صورت اعلام شکایت و گذشت متعاقب، تعقیب کیفری موقوف نخواهد شد».

پیشنهادهات

باتوجه به تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۹۲ و تازگی برخی موضوعات آن مانند تعویق صدور حکم، نظام نیمه آزادی، حبس الکترونیکی و... به نظر موارد ذیل برای تحقیق می توانند موضوعات نو و جدیدی باشند، چرا که شناسایی ابعاد مختلف این نهاد ها ی جدید کیفری ضروریست.

- نقش تحریک در مجازات به عنوان یکی از جهات تخفیف
- بررسی مجازات های جایگزین حبس
- رویه قضایی در امر تخفیف کیفر
- محاسن و معایب تخفیف کیفر
- اجتماع علل مخففه و مشدده بر اساس قانون مجازات ۱۳۹۲

منابع و مأخذ

الف) منابع فارسی

- آخوندی، محمود؛ ۱۳۶۷. آئین دادرسی کیفری؛ ج ۱، جهاد دانشگاهی،
- آخوندی، محمود؛ ۱۳۷۹. آئین دادرسی کیفری؛ ج ۴، انتشارات اشراق،
- اردبیلی، محمدعلی؛ ۱۳۷۷. حقوق جزای عمومی؛ ج ۲، نشر میزان،
- آشوری، محمد؛ ۱۳۷۵. آئین دادرسی کیفری؛ ج ۱، سازمان سمت،
- ایمانی، عباس؛ ۱۳۸۲. فرهنگ اصطلاحات حقوق کیفری؛ انتشارات آریان،
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ۱۳۶۸. ترمینولوژی حقوق؛ انتشارات گنج دانش؛
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر؛ ۱۳۷۸. مبسوط در ترمینولوژی حقوق؛ ج ۳، کتابخانه گنج دانش،
- زراعت، عباس؛ ۱۳۷۷. شرح قانون مجازات اسلامی - بخش قصاص؛ انتشارات ققنوس،
- زراعت عباس؛ ۱۳۸۱، شرح قانون مجازات اسلامی؛ کلیات، انتشارات ققنوس،
- زراعت عباس؛ ۱۳۸۰. شرح قانون مجازات اسلامی - بخش حدود؛ ج ۲، انتشارات ققنوس
- زراعت، عباس و مهاجری، علی؛ ۱۳۸۲. آئین دادرسی کیفری؛ انتشارات فکرسازان،
- شهیدی، مهدی؛ ۱۳۷۷. تشکیل قراردادهای و تعهدات؛ نشر حقوقدان،
- صفایی، حسین؛ ۱۳۷۹. حقوق مدنی اشخاص و اموال؛ ج ۱، نشر میزان،
- فیض، علیرضا؛ ۱۳۶۹. تطبیق در حقوق جزای عمومی اسلام، مؤسسه انتشارات امیر کبیر،
- کاتوزیان، ناصر؛ ۱۳۷۵. حقوق مدنی خانواده؛ ج ۲، شرکت انتشار،
- کاتوزیان، ناصر؛ ۱۳۷۰، حقوق مدنی؛ ایقاع، انتشارات یلدا.
- کاتوزیان، ناصر؛ ۱۳۷۲، حقوق مدنی قواعد عمومی قراردادهای، انتشارات بهنشر.
- کرمی، محمدباقر؛ ۱۳۷۷، مجموعه استفتائات فقهی و نظریات حقوقی راجع به قتل؛ انتشارات فردوسی.
- گارو؛ مطالعات نظری و عملی در حقوق جزا؛ ج ۲، ترجمه: نقابت، ضیاء الدین؛ تهران، بی تا.

- مجموعه بخشنامه های قوه قضائیه؛ ج ۲، معاونت آموزش و تحقیقات قوه قضائیه.
- هدایتی، محمد علی؛ ۱۳۴۲، آئین دادرسی کیفری، دانشگاه تهران.